وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾
وبنگر ایشان را پس ایشان نیز خواهند دید (١٧٥) .

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾
آیااین کافران عذاب مارابشتاب می طلبند (١٧٦) .

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾
پس چون فرود آید عذاب بمیدانِ ایشان بدباشد بامدادِ بیم کردگان (١٧٧) .

وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾
ورو بگردان ازایشان تامدتی (١٧٨) .

وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾
وبنگر پس ایشان نیز خواهند دید (١٧٩) .

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
پاکی ست پرورد گار تراخداوندِ غلبه ازآنچه این جماعت بیان می کنند (١٨٠) .

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾
وسلام بادبرفرستادگانِ خدا (١٨١) .

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾
وسپاس خدای راست پرورد گار عالم ها (١٨٢) .

سُورَةُ صٓ

سوره ص مكی است وآن نودونه آیت وپنج ركوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان .

صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ﴿١﴾
قسم بقرآن خداوندِ پند (که آنچه بآن دعوت میکنی راست است) (١) .

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾
بلکه کافران درسرکشی ومخالفت اند (٢) .

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾
چقدر هلاك کردیم پیش ازایشان قرنهارا پس فریاد برآوردند ونبود آن وقت خلاصی (٣) .

وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾
و تعجب کردند ازآنکه بیامد بایشان بیم کننده ازقوم ایشان و گفتند این کافران این شخص جادو گردروغگوئیست (٤) .

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَٰهًا وَاحِدًا إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ﴿٥﴾
آیا گردانید معبودان معتدد را یك معبود

هرآئینه این چیزی ست عجیب (٥) .

وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا
لَشَيْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾

وبرفتند اشراف ازایشان بایکدیگرگویان که بروید و شکیبائی کنید برعبادت معبودان خود هرآئینه این دین نوفتنه است که اراده کرده شده است (٦) .

مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَٰذَا إِلَّا
اخْتِلَاقٌ ﴿٧﴾

نه شنیدیم این قول را دردین پسین[1] نیست این مگرافتراء (٧) .

أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ
ذِكْرِي ۖ بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ﴿٨﴾

آیافرود آورده شد برین شخص قرآن ازمیان ما بلکه این کافران درشك انداز پندمن بلکه هنوز نچشیده اند عذاب مرا (٨) .

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ﴿٩﴾

آیانزد ایشانست ازخزانه های رحمت پرورد گارغالب بخشاینده تو (٩) .

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا
فِي الْأَسْبَابِ ﴿١٠﴾

آیاایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین وآنچه درمیان آنها ست پس بایدکه بالاروند آویخته بریسمانها[2] (١٠) .

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ﴿١١﴾

لشکری هست آنجا شکست داده شده ازجمله گروه ها[3] (١١) .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ﴿١٢﴾

دروغ داشتند پیش ازایشان قوم نوح وعاد وفرعون خداوند میخها[4] (١٢) .

وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لْئَيْكَةِ ۚ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ ﴿١٣﴾

وثمود وقوم لوط ساکنانِ ایکه (تکذیب کردند) ایشان بودند گروه های بسیار

---

(١) یعنی قرآن آخر که ماآن را دریا فتیم والله اعلم .

(٢) یعنی بریسمان آویخته هم نمی توانند که بآسمان روند پس چطور پادشاهی والله اعلم .

(٣) یعنی ازجنس گروه هاکه باانبیاء مخالفت کردند .

(٤) یعنی بچه هارا به میخ تعذیب می کرد .

وقوی (١٣) .

إِنْ كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾

نیست هیچ کس ازایشان مگر تکذیب کرد پیغامبران را پس حتمی شد عقوبت من (١٤) .

وَمَا يَنْظُرُ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

وانتظار نمی برند کفار این عصر مگریك نعرهٔ تند را یعنی نفخه قیامت که نه باشد آنرا هیچ توقف (١٥) .

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾

وگفتند (بطریق استهزا) ای پرورد گار ماشتاب ده مارا سرنوشت ماازعقوبت پیش از روزِ حساب (١٦) .

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾

صبر کن برآنچه میگویند ویادکن بنده ماداوٗد خداوند قوت را هرآئینه اورجوع کننده بود[1] (١٧) .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾

هرآئینه رام ساختیم همراه اوکوه هارا تسبیح میگفتند به وقت شام وصباح (١٨) .

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً ۖ كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾

ورام ساختیم مرغانرا بهم آورده هریکی برای اوفرمانبردار بود (١٩) .

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾

ومحکم کردیم پادشاهی اورا ودادیمش حکمت وسخن واضح (٢٠) .

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾

و[2] آیاآمده است پیش توخبرگروهِ خصومت کننده بایکدیگر چون ازدیوار جسته داخل شدند بمسجد (٢١) .

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ خَصْمَانِ بَغَىٰ

چون درآمدند برداوٗد پس بترسید ازایشان

---

(١) یعنی بسوی خدا .

(٢) مترجم گوید که داوٗد علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبهٔ شخصی یا درنکاح اوبود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را بجهت تنبیه داوٗد بشکل خصوم متمثل ساخت اشارت باین قصه است درین آیات والله اعلم .

بَعْضُنَا عَلٰى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَآ إِلٰى
سَوَآءِ الصِّرَاطِ ﴿۲۲﴾

گفتند مترس ما دوخصومت كننده ايم ستم كرده است بعض مابربعض پس حكم كن ميان مابراستى وجور مكن ودلالت كن مارا براه راست (۲۲) .

إِنَّ هٰذَآ أَخِيْ لَهٗ تِسْعٌ وَّتِسْعُوْنَ نَعْجَةً وَّلِيَ نَعْجَةٌ وَّاحِدَةٌ
فَقَالَ أَكْفِلْنِيْهَا وَعَزَّنِيْ فِي الْخِطَابِ ﴿۲۳﴾

اين برادر من ست بدست اوست نودونه ميش وپيش من يك ميش ست پس گفت اين شخص بمن بسپاراين يك ميش را ودرشتى كرد بامن درسخن گفتن(۲۳) .

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلٰى نِعَاجِهٖ وَإِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ
الْخُلَطَآءِ لَيَبْغِيْ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا
الصّٰلِحٰتِ وَقَلِيْلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوٗدُ أَنَّمَا فَتَنّٰهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهٗ
وَخَرَّ رَاكِعًا وَّأَنَابَ ﴿۲۴﴾ السجدة

گفت داؤد هرآئينه ستم كرد برتو بخواستنِ ميشِ توتابهم آرد بميشهاى خود وهرآئينه بسيارى ازشريكان ستم مى كنند بعضِ ايشان بربعضى مگرآنانكه ايمان آوردند وكارهاى شائسته كردند واندك اندايشان وشناخت داؤد كه ماآزموده ايم اورا پس طلبِ آمرزش كرداز پرورد گارخود و بيفتاد سجده كنان وبازگشت بخدا (۲٤) .

فَغَفَرْنَا لَهٗ ذٰلِكَ وَإِنَّ لَهٗ عِنْدَنَا لَزُلْفٰى وَحُسْنَ مَاٰبٍ ﴿۲۵﴾

پس بيامرزيديم اوراآن لغزش اووهرآئينه اورانزد ما قربت ست ونيكوبازگشت ست (۲۵) .

يٰدَاوٗدُ إِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيْفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ
بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ إِنَّ
الَّذِيْنَ يَضِلُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ بِمَا نَسُوْا
يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿۲۶﴾

گفتيم اى داؤد وهرآئينه ساختيم تراجانشين (پادشاه) درزمين پس حكم كن ميانِ مردمان براستى وپيروى مكن خواهش نفس را كه آن گمراه كند ترا ازراهِ خدا هرآئينه آنانكه گمراه مى شوند ازراهِ خدا ايشان راست عذابِ سخت بسبب آنكه فراموش كردند روزحساب را (۲٦) .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذٰلِكَ ظَنُّ

ونيافريديم آسمان و زمين را وآنچه

الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾	درمیان این هاست بیهوده این گمان کافران ست پس وای کافران را ازعقوبت آتش (٢٧) .
أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾	آیامیسازیم آنان را که ایمان آوردند وکارهای شائسته کردند مانند فساد کنندگان درزمین آیامی سازیم پرهیزگاران رامانند بدکاران (٢٨) .
كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾	این قرآن کتابیست بابرکت که فرود آوردیم اورابسوی توتا مردمان تأمل کنند درآیات او تاپند گیرند خداوندان خرد (٢٩) .
وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ ۚ نِعْمَ الْعَبْدُ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾	وعطاکردیم داؤد رافرزندی سلیمان نام نیکوبنده بودسلیمان هرآئینه اورجوع کننده بودبخدا (٣٠) .
إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾	یادکن چون نموده شداوراوقت شامگاه اسپانِ تیزرو (٣١) .
فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾	پس گفت هرآئینه دوست داشتم این اسپان را ازقبیل رغبت بمال اعراض کنان ازذکر پرورد گارخودتاآنکه پنهان شد آفتاب درپرده[١] (٣٢) .
رُدُّوهَا عَلَيَّ ۖ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾	بازگردانیداین اسپانرا برمن پس شروع کرددست رسانیدن بساقهاوگردن ها[٢] (٣٣) .
وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾	وهرآئینه آزمودیم سلیمان را وانداختیم برتخت اوکالبدی بازرجوع

(١) یعنی نمازعصر فوت شد .
(٢) یعنی ذبح کرده ساق آنهارابریده ازجهت غیرت برذکر خدای تعالی والله اعلم .

کردبخدا[1] (۳٤) .

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي ۖ إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾

گفت ای پروردگارمن بیامرزمرا وعطا کن مراآن پادشاهی که راست نیاید هیچکس را غیرازمن هرآئینه توئی بخشاینده (۳٥) .

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾

پس مسخر گردانیدیم برای او باد را میرفت به فرمان اوبآهستگی روان شده هرجاکه خواسته باشد (۳٦) .

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾

ومسخر گردانیدیم دیوان را هرعمارت بناکننده وهرفرورونده بدریا (۳۷) .

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾

ومسخر گردانیدیم دیوانِ دیگررادست وپابهم بسته درزنجیرها (۳۸) .

هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾

گفتیم این ست بخشش ما پس عطا کن یانگاهدار بغیر آنکه باتوحساب کرده شود (۳۹) .

وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٠﴾

وهرآئینه اورانزد ماقربت ست ونیکوبازگشت ست (٤٠) .

وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾

ویادکن بندهٔ ما ایوب را چون نداکرد به پروردگارخودکه دست رسانیده است مراشیطان برنجوری ودرد (٤١) .

ارْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

گفتیم بزن زمین را به پای خودنا گهان آن چشمه باشد که مهیابرای غسل سرد بود وآشامیدنی باشد (٤٢) .

---

(۱) مترجم گوید سلیمان علیه السلام ازامراء خود منغص شد و بخاطر آوردکه امشب باصدزن جماع کنم و هرزنی پسری زاید وهریکی شهسواری باشد جهاد کننده مرااحتیاج متعلق امرا نافتد فرشته گفت انشاء الله بگوسلیمان سهو کردپس هیچ زن حامله نشدالّایك زن طفل ناقص الخلقت زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شدو رجوع به رب العزت کرد والله اعلم .

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾

وعطاكرديم اوراهل خانه اوومانند ايشان همراه ايشان بخشائشی ازنزد خود وپندی خداوندانِ خرد را (٤٣) .

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

وگفتيم بگير بدست خود دسته شاخهاپس بزن بآن[1] وخلاف سوگند مكن هرآئينه مااورايافتيم شكيبا نيك بنده بود ايوب هرآئينه اورجوع كننده بخدا بود[2](٤٤) .

وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ ﴿٤٥﴾

ويادكن بندگان ماابراهيم واسحق ويعقوب را خداوندان دست ها وچشم ها[3] (٤٥) .

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾

هرآئينه مايكروساختيم ايشانرا براى خصلتی پاك كه يادكردن آخرت ست(٤٦) .

وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾

وهرآئينه ايشان نزد ماازبرگزيدگان نيكان بودند(٤٧) .

وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾

ويادكن اسماعيل واليسع وذوالكفل را وهريكی ازنيكان بودند (٤٨) .

هَٰذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٩﴾

اين قرآن پندی هست وهرآئينه پرهيزگاران را نيك بازگشت ست (٤٩) .

جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾

بوستانهای دائم ست كشاده كرده براى ايشان دروازه ها (٥٠) .

مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾

تكيه كنان درآنجا میطلبند آنجاميوهٔ بسيار وشراب را (٥١) .

---

(١) يعنی زن خودرا .

(٢) يعنی ايوب عليه السلام سوگند خورده بودكه زن خودراصدضربه بزند خدای تعالیٰ بروی سهل ساخت .

(٣) يعنی علم وعمل هردوبكمال داشتند والله اعلم .

وَعِنْدَهُمْ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ اَتْرَابٌ ﴿٥٢﴾

ونزد ایشان باشند زنان فرودآرِنده چشم هم عمر بایکدیگر (٥٢) .

هٰذَا مَا تُوْعَدُوْنَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾

این ست آنچه وعده داده میشود شمارا برای روز حساب (٥٣) .

اِنَّ هٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهٗ مِنْ نَّفَادٍ ﴿٥٤﴾

هرآئینه این رزق ماست نباشد آنرا هیچ زوال (٥٤) .

هٰذَا ؕ وَاِنَّ لِلطّٰغِيْنَ لَشَرَّ مَاٰبٍ ﴿٥٥﴾

این ست جزا وهر آئینه ازحد گذشتگان را بدبازگشتی باشد (٥٥) .

جَهَنَّمَ ۚ يَصْلَوْنَهَا ۚ فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾

که دوزخ است درآیند آنجاپس بدآرام گاه است (٥٦) .

هٰذَا ۙ فَلْيَذُوْقُوْهُ حَمِيْمٌ وَّغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾

این عذاب آب گرم ست وزرداب ست پس باید که بچشید آنرا (٥٧) .

وَّاٰخَرُ مِنْ شَكْلِهٖۤ اَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾

وعذابی دیگرست مانند این انواع مختلف (٥٨) .

هٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ ۚ لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ ؕ اِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ﴿٥٩﴾

این[1] قومیست درآینده بآتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هرآئینه ایشان درآیندگان آتش اند (٥٩) .

قَالُوْا بَلْ اَنْتُمْ ۟ لَا مَرْحَبًۢا بِكُمْ ؕ اَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوْهُ لَنَا ۚ فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾

تابعان گویند بلکه بر شمازمین کشاده مباد شماپیش آوردید عذاب را برای ما پس بدقرارگاهی ست دوزخ (٦٠) .

قَالُوْا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾

گویند ای پرورد گارماهرکه آئین قدیم ساخته باشد برای ماکفر پس زیاده بکن درحق اوعقوبت درآتش (٦١) .

وَقَالُوْا مَا لَنَا لَا نَرٰى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْاَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

وگفتند اهل دوزخ چیست مارا که نمی بینیم مردانی را که می شمردیم ایشانرا

---

(١) چون تابعان خواهند که بدوزخ درآیند متبوعان راگفته شود .

ازبدان[۱] (٦٢) .

أَتَّخَذْنَٰهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ٦٣

آیا مسخره میگرفتیم ایشان را یابرگشته است ازایشان دیده ها (٦٣) .

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ٦٤

هرآئینه این راست ست مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ ست بایکدیگر (٦٤) .

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ
الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ٦٥

بگوجزاین نیست که من ترساننده ام ونیست هیچ معبود برحق مگر خدای یگانه زیادقوتمند (٦٥) .

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ٦٦

پرورد گار آسمان ها وزمین وآنچه میان این هاست غالب آمرزگار (٦٦) .

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ٦٧

بگواین خبری بزرگ ست (٦٧) .

أَنتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ٦٨

شماازوی روگردانده اید (٦٨) .

مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ٦٩

نیست مراهیچ دانش بحال این جماعت بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند (٦٩) .

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ٧٠

وحی فرستاده نمی شود بسوی من مگر آنکه من ترسانندۂ آشکارم (٧٠) .

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ ٧١

ویادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان هرآئینه من آفریننده ام آدمی را ازگِل (٧١) .

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ٧٢

پس چون راست کنم اورا وبدمم دروی روح خود را پس درافتید اورا سجده کنان (٧٢) .

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ٧٣

پس سجده کردند فرشتگان تمام ایشان همه یك جا (٧٣) .

(١) یعنی فقراء مسلمین .

إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤

مگر شیطان سرکشی کرد وشد ازکافران (٧٤) .

قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ
أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡعَالِينَ ٧٥

گفت خدااى شیطان چه چیزبازداشت تراازآنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدودستِ خودآیاتکبر کردی یا بحقیقت هستی ازبلند قدران (٧٥) .

قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ ٧٦

گفت من بهترم ازوی آفریدی مراازآتش وآفریدی اورا ازگِل (٧٦) .

قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ٧٧

گفت بیرون شوازبهشت هرآئینه تورانده شده ای(٧٧) .

وَإِنَّ عَلَيۡكَ لَعۡنَتِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ ٧٨

وهرآئینه برتو لعنت من باد تا روزجزا (٧٨) .

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٧٩

گفت ای پروردگار من پس مهلت ده مرا تاآنروز که برانگیخته شوند مردمان (٧٩) .

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ٨٠

گفت هرآئینه توازمهلت دادگانی (٨٠) .

إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ٨١

تا روزآن وقت معین (٨١) .

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢

گفت شیطان پس قسم بعزت توکه البته گمراه کنم ایشانرا همه (٨٢) .

إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٨٣

الّابندگان خالص کردۀ توازایشان (٨٣) .

قَالَ فَٱلۡحَقُّ وَٱلۡحَقَّ أَقُولُ ٨٤

فرمود پس سخن راست ست این و سخن راست میگویم (٨٤) .

لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٥

البته پرکنم دوزخ را ازتوواز‌آنانکه پیروی تو کننداز ایشان همه یکجا (٨٥) .

قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ ٨٦

بگوسوال نمی کنم ازشمابرتبلیغ قرآن هیچ مزدی را ونیستم ازتکلف کنند گان[١] (٨٦) .

---

(١) یعنی دعوی وحی‌نه کنم بغیر تحقیق .

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾

نیست قرآن مگرپندی عالم هارا (٨٧) .

وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

والبته خواهید دانست صدق آنرابعد زمانی(٨٨) .

سُورَةُ الزُّمَر

سوره زمر مکی است وآن هفتاد پنج آیت و هشت رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان .

تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾

فروفرستادنِ این کتاب ازجانب خدای غالب باحکمت ست (١) .

إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا
لَّهُ الدِّينَ ﴿٢﴾

هرآئینه مافروفرستادیم بسوی تو کتاب را براستی پس عبادت کن خدارا خالص کرده برای اوپرستش را (٢) .

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۚ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ
بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ
هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾

آگاه باش مرخدارا است[1] پرستش کردن خالص[2] وآنانکه دوستان گرفتند بجز خدا (و گفتند)عبادت نمی کنیم ایشان را مگربرای آنکه نزدیك سازندمارا بخدا درمرتبه قرب هرآئینه خداحکم میکند میان ایشان درآنچه ایشان درآن اختلاف دارند هر آئینه خدا راه نمی نماید کسی را که اودروغگو بسیارناسپاس است (٣) .

لَّوْ أَرَادَ اللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا لَّاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ
سُبْحَانَهُ ۖ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾

ا گرخواستی خدا که فرزند گیرد البته بر گزیدی ازآنجمله که خلق کرده ست چیزی را که میخواست پاکی اوراست اوست خدای یگانه باقوت (٤) .

---

(١) يعنى مقبول نزد اوست .

(٢) يعنى بغير شرك .